

دختر اصفهان؛ روایت پنهان در میان صفحات تاریخ



پشت سر گذاشتeland چنین نقشی داشته باشد؟ در گذشته، مردم در شرایطی زندگی می‌کردند که نه امکانات امروزی وجود داشت و نه سرگرمی‌های امروزی و شب‌های طولانی؛ چه بسا جنگ‌ها، ناامنی‌ها و مشکلات مختلف وجود داشت وقصه یکی از راهمایی بود که مردم از طریق آن آرامش پیدا می‌کردند. به همین دلیل، قصه صرف سرگرمی نیست و می‌تواند بخشی از حافظه و زندگی یک جامعه باشد.مریم نیز در داستان با همین ظرفیت قصه‌گویی شناخته‌می‌شود.

او برای کودکان قصه می‌گوید و در ادامه همین شخصیت وارد مسیری می‌شود که او را به بخش مهمی از سرنوشت شهر پیوند می‌دهد.

از روایت عاشقانه سیر داستان از کجا آغاز می‌شود؟

در بخشی از داستان، مریم در پل خواجو با طیبیی به نام جعفر آشنا می‌شود. جعفر برای درمان بیماری به آن منطقه آمده و در جریان این دیدار، گفت‌وگویی میان آن‌ها درباره پایهای پل خواجو شکل می‌گیرد. آن‌ها به نشانهایی که بر پایهای پل وجود دارد توجه می‌کنند و همین موضوع بهانه‌ای برای باز شدن یک راز درباره گذشته شهر می‌شود:در روایت داستان، اجداد مریم و جعفر به نسل‌هایی از بناها، معماران و خشت‌مالان اصفهان پیوند دارند. افرادی که پس از حمله مغول برانگنده شده‌اند و در نهایت به نسل‌های بعد وصیت کرده‌اند که اگر زنده ماندند، شهر را دوباره بسازند. این وصیت در داستان به یک مفهوم اساسی تبدیل می‌شود که اصفهان باید بماند و زندگی در آن ادامه پیدا کند.مریم و جعفر نیز در همین مسیر به یکدیگر نزدیک می‌شوند و رابطه آن‌ها بخشی از روایت بزرگ‌تری است که درباره شهر و ماندگاری آن شکل گرفته است.

این مضمون چه جایگاهی در روایت تاریخی معاصر شهر اصفهان دارد؟

اصفهان در طول تاریخ بارها آسیب دیده، ویران شده و دوباره ساخته شده است. این شهر بارها زخم خورده، اما همچنان باقی مانده است.در داستان، مریم و جعفر تا حدی نماینده دختران و پسران همین شهر هستند. نسلی که با وجود تمام آسیب‌ها، هنوز حضور دارد و می‌تواند برای آینده شهر نقش‌آفرینی کند. تاریخ رسمی به‌طور معمول، پادشاهان، فاتحان و شخصیت‌های قدرتمند را ثبت کرده است و مردم عادی کمتر در مرکز این روایته‌ا قرار گرفته‌اند، اما این به‌معنای قفلان نقش‌آفرینی آن‌ها نیست.

مریم در داستان نمادی از همین بخش فراموش‌شده تاریخ است؛ زنی که شاید تاریخ‌ناش را ثبت نکرده باشد، اما در ساختن و حفظ شهر نقش دارد.

اصفهان بارها در معرض حمله، قحطی و ویرانی قرار گرفته است که نمونه‌های تلخ بسیاری در تاریخ این شهر و ایران وجود دارد. اما نکته‌ای که اهمیت دارد این است که با وجود تمام این زخم‌ها، شهر همچنان باقی مانده است.اصفهان ممکن است همچون آسانبی باشد که بارها زخمی شده، اما هنوز نفس می‌کشد و این همان مفهومی است که در داستان دنبال کرده‌ام. مریم نیز بخشی از همین مناسبت و نماینده نسلی است که با وجود تمام دشواری‌ها و حتی لحظاتی که خودش نیز به ادامه

تاریخ اصفهان بارها از پادشاهان، حاکمان و فاتحان گفته است. اما «دختر اصفهان» به سراغ زنی رفته که نامش در هیچ صفحه‌ای از تاریخ رسمی ثبت نشده است؛ مریم، قهرمان داستان مسعود صفری، قرار است روایت دیگری از شهر ارائه کند. روایتی که در آن یک زن نه در حاشیه، بلکه در مرکز قصه ایستاده است.

به گزارش ایمناء اصفهان، شهری که هر گوشه‌اش روایتی از گذشته را در خود پنهان کرده است؛ شهری که تاریخ در آجرهای کهن، گنبد‌های فیروزرُوی، پل‌های قدیمی و کوچه‌هایی که هنوز عطر خاظره را با خود دارند، نفس می‌کشد.

اینجا تاریخ در تاروپود زندگی شهر جاری است و هر نسل، بخشی از آن را از گذشته به آینده می‌سپارد. در میان همین خاطرات و نشانه‌های تاریخی، گاهی واژه‌ها دست‌به‌دست هم می‌دهند تا قصه‌ای تازه از دل گذشته برآورند؛ قصه‌ای که اگرچه ریشه در تاریخ دارد، اما قرار نیست تاریخ را روایت کند. «دختر اصفهان» روایتی است که از اصفهان روزگار قاجار آغاز می‌شود؛ از شهری که روزهای دشوار و پرتلاطمی را پشت سر گذاشته و در میان ویرانی‌ها و زخ‌های زمان، همچنان برای ماندن و زندگی کردن تلاش می‌کند. این بار راوی این قصه، تنها پادشاهان، حاکمان و نام‌های آشنای تاریخ نیستند، بلکه زنی ایستاده در مرکز روایت است که سرنوشت او با سرنوشت شهر گره می‌خورد. مریم، شخصیت اصلی داستان، از دل زندگی مردم عادی سربرمی‌آورد؛ زنی که قصه می‌گوید، می‌آموزد، عاشق می‌شود. رنج می‌کشد و در مسیری قرار می‌گیرد که او را به بخشی از سرنوشت اصفهان پیوند می‌دهد.

دختر اصفهان تلاش می‌کند در کنار روایت یک‌داستان عاشقانه به بخش‌هایی از حافظه کمتر دیده‌شده شهر نیز سرک بکشد؛ به شهری که بارها زخم خورده، اما هر بار از میان ویرانه‌ها دوباره قد کشیده است. مسعود صفری، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات فارسی که سال‌ها در حوزه نشر فعالیت داشته و در چند جشنواره ادبی نیز موفق به کسب رتبه شده و اکنون اثر جدیدش را در قالب کتاب منتشر کرده است، مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

کایده اولیه تألیف کتاب «دختر اصفهان» از کجا آمد و فکندغه اصلیتان در نگارش آن چه بود؟

به‌نظم بسیاری از داستان‌ها از همان ابتدا قرار نیست به مقصدی برسند که نویسنده برایشان تعیین کرده است و گاهی نویسنده یا شاعر قصد دارد شری علاقتانه بگوید اما در میانه راه می‌بیند که شعر به سمت عرفان رفته است یا قصد دارد روایتی عارفانه بنویسد، اما در نهایت با یک داستان عاشقانه روبه‌رو می‌شود، ازاین‌رو داستان گاهی خودش مسیرش را پیدا می‌کند. در قصه‌های قدیمی می‌نمونه‌هایی از این تغییر مسیر وجود دارد. برای مثال، در داستان «کنیز و پادشاه» مولانا ماجرا از یک عشق ظاهری آغاز می‌شود، اما در نهایت به عشقی متفاوت و درونی می‌رسد، بنابراین همیشه هم چیز در اختیار نویسنده نیست، ایده اولیه من برای این کتاب نیز به‌طور کامل متفاوت بود و از ابتدا قرار بود داستان درباره چند لات اصفهانی باشد که عاشق می‌شوند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. اما بتدریج منوجه شد که می‌توانم از ظرفیت لِه‌چه اصفهانی و شخصیت‌هایی که با این لِه‌چه صحبت می‌کنند، استفاده‌ای متفاوت داشت. به‌طور معمول، وقتی صحبت از لِه‌چه اصفهانی می‌شود، آن را به طنز و شوخی محدود می‌کنیم؛ در حالی که این لِه‌چه می‌تواند در یک داستان عاشقانه، تراژدی یا حتی یک روایت جدی و تاریخی نیز به کار گرفته شود. حتی در جریان نگارش کتاب، خودم در بخش‌هایی تحت تأثیر شخصیت اصلی قرار گرفتم و همراه با او گریه کردم. این تجربه نشان داد که با این لِه‌چه و این فضا می‌توان احساسات جدی و عمیق انسانی را نیز روایت کرد؛ لِه‌چه اصفهانی یک ظرفیت فرهنگی است و محدود کردن آن به چند کلمه و موقعیت طنز، بخشی از ظرفیت آن را نادیده می‌گیرد.

کای ابعاد شخصیتی «مریم» به‌عنوان نقش اصلی روایت داستان چگونه شکل گرفت و چه پیشینه‌ای دارد؟

مریم پس از قحطی اصفهان در محله‌ای زندگی می‌کند که محل تجمع گداه‌ها شده است و از مادر بزرگش حکمت، طب و قصه‌گویی را یاد گرفته است. قصه، برایم از کودکی اهمیت زیادی داشته است و مادر بزرگم همیشه برایم قصه می‌گفت و با وجود اینکه بسیار باریگوش بودم، با قصه آرام می‌شدم. بعدها به این فکر کردم که اگر قصه می‌تواند یک کودک را آرام کند، چرا نتواند در یک جامعه و در میان مردمی که روزهای سختی را می‌گذرانند، به‌عنوان یک منبع امید و تاب عمل کند؟ این سؤال منجر به نوشتن این کتاب شد. مریم، دختری است که در دوران کودکی با فقر و ناامنی مواجه شده و در جست‌وجوی امنیت و رفاه است. او با وجود تمام سختی‌ها، توانسته است که به‌عنوان یک شخصیت مستقل و قوی در داستان ظاهر شود. این ویژگی‌ها، مریم را به یک شخصیت قابل‌همپوشانی با خواننده تبدیل کرده است. او نه تنها یک شخصیت داستانی، بلکه یک آینه‌ای است که خواننده می‌تواند در آن، بخشی از خودش را ببیند.

ایم‌دعلی صادقی افزود: پس از آن، قطعات ازاره به‌صورت مرحله‌ای، با ظرافت و کاملاً منطبق بر اصول حفاظت برچیده شدند. صادقی عنوان داشت: در گام‌های بعدی، اقداماتی نظیر رطوبت‌زدایی و خشک‌سازی تدریجی بستر، پاک‌سازی رسوبات و لایه‌های تخریب‌شده، هسان‌سازی دیواره پشتی، اجرای کرسی‌بندی و پی‌سازی آجری با بهره‌گیری از ملات‌های سنتی و تنفس‌پذیر صورت گرفت و در نهایت، سنگ‌های تاریخی بر مبنای طرح و موقعیت اصلیل خود مجدداً بازنصب و مهار شدند. سرپرست پایگاه جهانی مسجد جامع عتیق اصفهان با اشاره به وضعیت سایر بخش‌های بند ادامه داد: پایش‌های میدانی و مطالعات آسیب‌شناختی نشان می‌دهد که به‌دلیل فرسودگی‌های ناشی از گذر زمان و عوامل محیطی، نزدیک به ۸۰ درصد از ازاره‌های سنگی فضاهای داخلی و صحن‌های این مجموعه عظیم نیازمند ساماندهی

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه
نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید مصطفی روحانی (شماره ۱۹)، پلاک ۶، ساختمان رویداد پارسی
تلفن: ۰۳۱-۳۶۲۹۳۷۵۰-۲۱ (۵۵ خط) فاکس: ۳۶۲۹۳۳۹۲-۳۱
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی



مدیرکل میراث فرهنگی اصفهان گفت: ۱۳ اثر تاریخی و فرهنگی منقول شامل نسخه‌ها و اسناد خطی، آثار هنری، تجهیزات نظامی و عناصر تاریخی چوبی در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد. امیر کرم‌زاده اظهار کرد: در ادامه فرآیند شناسایی، مستندسازی و ثبت آثار تاریخی و فرهنگی استان، ۱۳ اثر ارزشمند منقول متعلق به مجموعه‌های مختلف استان اصفهان در شورای ملی ثبت اموال منقول کشور به ثبت رسید.

او افزود: این آثار از نظر تنوع، شامل نمونه‌هایی از تجهیزات و پوشش‌های نظامی تاریخی، نقاشی‌های هنری، نسخ و اسناد خطی، قرآن کریم، آثار یادمانی و همچنین عناصر چوبی وابسته به بناهای تاریخی هستند و ثبت آنها در فهرست آثار ملی کشور، گامی در مسیر مستندسازی و حفاظت از بخشی از میراث منقول استان اصفهان به شمار می‌رود. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان ادامه داد: از میان آثار ثبت‌شده، پنج اثر متعلق به موزه چهل‌ستون اصفهان است که شامل کلاه‌خود فولادی، شلوار رزم، زره بالانتنه، تابلوی رنگ‌روغن اثر محمداقبر سمیرمی و تابلوی رنگ‌روغن اثر اسماعیل جالایر می‌شود.

کرم‌زاده تصریح کرد: ثبت این مجموعه، بخشی از ظرفیت موجود در موزه چهل‌ستون اصفهان را از منظر میراث منقول ملی مستند می‌کند و آثار نظامی و هنری موجود در این مجموعه نیز در چارچوب فرآیند ثبت ملی، جایگاه رسمی خود را در فهرست آثار ملی کشور به دست آورده‌اند. او با اشاره به ثبت آثار متعلق به موزه و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان گفت: کتاب آتشکده آذر، بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، کتاب الشمسیه فی‌الاصول الحساییه و التحفه الشاهیه، قرآن کریم به خط محمدابراهیم قمی، دفتر یادبود و مشعل یادبود دانشگاه اصفهان، دیگر آثار ارزشمند که در این مرحله به ثبت ملی رسیدند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان افزود: بخشی از این آثار در حوزه نسخ و اسناد تاریخی و بخشی نیز در شمار آثار یادمانی مرتبط با تاریخ دانشگاه اصفهان قرار می‌گیرند و ثبت آنها موجب می‌شود این آثار در چارچوب نظام ثبت ملی میراث فرهنگی منقول کشور، مستند و شناسایی شوند.

کرم‌زاده همچنین از ثبت دو اثر تاریخی متعلق به شهرستان‌های استان اصفهان خبر داد و گفت: منبر چوبی مسجد جامع زفره و صندوق قبر چهل شیخ محمد جوزدان نیز در فهرست آثار ملی کشور جای گرفتند.

او تأکید کرد: ثبت ملی آثار منقول تنها به ثبت یک عنوان در فهرست آثار ملی محدود نمی‌شود، بلکه مستندسازی و شناسایی رسمی این آثار، بخشی از فرآیند حفاظت از میراث فرهنگی و ثبت اطلاعات مربوط به آثار ارزشمند موجود در موزه‌ها، مجموعه‌های فرهنگی و تاریخی و بناهای واجد ارزش استان است.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان ادامه داد: تنوع ۱۳ اثر ثبت‌شده در این مرحله نشان می‌دهد که میراث فرهنگی منقول استان تنها محدود به اشیای موزایی نیست و طیف گسترده‌ای از نسخه‌های خطی، اسناد، آثار هنری، تجهیزات تاریخی و عناصر چوبی وابسته به اماکن تاریخی را دربرمی‌گیرد.

کرم‌زاده با اشاره به فرآیند تهیه و پیگیری پرونده‌های ثبتی این آثار گفت: تکمیل پرونده‌های ثبتی و طرح آنها در شورای ملی ثبت اموال منقول کشور، حاصل همکاری مجموعه‌های تخصصی اداره‌کل میراث فرهنگی استان، کارشناسان مسئولان موزه‌ها و مراکز نگهداری آثار و همچنین مجموعه‌هایی است که این آثار را در اختیار دارند.



www.esfahanemrooz.ir

عضو تعاونی مطبوعات، انجمن مدیران رسانه



خانه کیان‌پور؛ روایت آجر و نور



طاق‌های خانه عمدتاً به شکل قوس جناقی (تیزدار) و قوس کمائی (مطلق) اجرا شده. قوس جناقی ریشه در معماری سلجوقی دارد و در دوره صفوی و قاجار تداوم یافت. این نوع قوس علاوه بر زیبایی، بار سقف را به‌خوبی به دیوارها منتقل می‌کند. دیوارهای داخلی با کاهگل پوشیده شده و روی آن با گچ اندود شده. کاهگل عایق حرارتی طبیعی است و در تابستان خنکی و در زمستان گرمی فضا را حفظ می‌کند. گچ‌بری‌های تزیینی نیز در تالار، شامشین و برخی اتاق‌ها دیده می‌شود.

کاتحولات دوره قاجار در معماری خانه

خانه کیان‌پور در دوره‌ای ساخته شده که معماری ایران در حال گذار بود. از یک سو، سنت معماری صفوی همچنان ادامه داشت و از سوی دیگر، تأثیرات معماری غربی از طریق سفرهای اروپایی شاهزادگان قاجار و ورود معماران خارجی به ایران در حال نفوذ بود. در این مجموعه تاریخی، این تأثیرات محدود و عمدتاً در تزیینات داخلی دیده می‌شود. برای مثال، استفاده از شیشه‌های رنگی بزرگ‌تر در ارس‌های تنوع رنگ‌هایی به‌کار رفته در نقاشی‌های دیواری، نشانه‌هایی از این تأثیرپذیری است. با این حال، ساختار کلی خانه همچنان وفادار به سنت معماری ایرانی-اسلامی باقی مانده است.

کاموقعیت شهری و بافت محله

محله ییادباد در دوره صفوی یکی از محلات یهودی‌نشین اصفهان بود و کنیسه‌های متعددی داشت. در دوره قاجار، با مهاجرت تدریجی یهودیان به محله جویاره، ییادباد به تدریج به محله‌ای با جمعیت مسلمان تبدیل شد. خانه کیان‌پور در این بافت تاریخی واقع شده و نزدیک به حمام علی‌قلی آقا (دوره صفوی) و مسجد علی‌قلی آقا است. کوچه‌های باریک و پیچ‌دریج محله، که امروز دسترسی به خانه را دشوار می‌کند، در گذشته بخشی از سیستم دفاعی و امنیتی محله‌های تاریخی ایران بوده است. این کوچه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که ورود غریبه‌ها را دشوار و امنیت ساکنان را تأمین کنند. اطلاعات دقیقی از مالکان اولیه خانه در دست نیست. آنچه مشخص است، این بنا تا اواخر دوره پهلوی به‌عنوان خانه مسکونی استفاده می‌شده و پس از مدتی متروکه شده است. در دهه ۱۳۸۰، آقای کیان‌پور (نام خانوادگی فعلی خانه از اوست) این بنا را خریداری و مرمت آن را آغاز کرد. مرمت با نظارت سازمان میراث فرهنگی انجام شد و تلاش شد اصالت بنا حفظ شود.

کایجایگاه خانه در تاریخ معماری ایران

خانه کیان‌پور نمونه‌ای از معماری مسکونی طبقه متوسط رو به بالایی جامعه قاجاری در اصفهان است. این خانه نه در زمره بزرگ‌ترین یا مجلل‌ترین خانه‌های قاجاری اصفهان قرار می‌گیرد (مانند خانه‌های تجار بزرگ یا حاکمان)، اما از نظر حفظ ساختار اصلیل چهارصفه و تزیینات متناسب، نمونه‌ای ارزشمند محسوب می‌شود. آنچه خانه کیانپور را از نظر تاریخی مهم می‌کند، تداوم سنت معماری صفوی در دوره قاجار است. در حالی که در تهران، معماری قاجاری به سرعت به سمت الگوهای غربی گرایش یافت، در اصفهان و شهرهای سنتی‌تر، معماری مسکونی تا اواخر دوره قاجار همچنان به سنت صفوی وفادار ماند. خانه کیانپور گواه این تداوم تاریخی است. خانه کیانپور بخشی از میراث معماری مسکونی ایران در دوره قاجار است که ریشه در سنت صفوی دارد. ساختار چهارصفه، ایوان‌ها، تالار شامشین، پنجره‌های ارس‌ی و آجرکاری از عناصر شاخص آن هستند. این بنا پس از مرمت در دهه ۱۳۸۰، از وضعیت متروکه خارج شد و امروز به‌عنوان یک اثر تاریخی قابل بازدیداست. ارزش اصلی آن در بازنمایی تداوم معماری صفوی در دوره قاجار و حفظ هویت معماری ایرانی در برابر تغییرات شتابان دوره معاصر است.

تاک و افلاک؛

جشنی از میراث در دل کاشان

بالا، شهرت زیادی در استان و مناطق هم‌جوار دارد و حجم عمده‌ای از انگور تولیدی منطقه به این فرآورده اختصاص می‌یابد.

از سویی دیگر، هم‌جواری این منطقه با ارتفاعات «گرشک» و استقرار رخدخانه ملی ایران، کامو را به یکی از کانون‌های اصلی نجوم در کشور تبدیل کرده است. این ویژگی جغرافیایی و علمی، موجب حضور مستمر پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه ستاره‌شناسی در این منطقه شده است. در همین راستا، جشنواره ملی «تاک و افلاک» برای دومین سال پیاپی باهدف معرفی ظرفیت‌های گردشگری و کشاورزی این منطقه برگزار می‌شود.

خانه کیان‌پور در محله ییادباد اصفهان، نمونه‌ای از تداوم معماری صفوی در خانه‌های قاجاری است.

خانه کیان‌پور در محله ییادباد اصفهان واقع شده، محله‌ای که در دوره صفویه یکی از محلات مهم و اعیان‌نشین شهر بوده. ییادباد در مجاورت محله عباس‌آباد و نزدیک به میدان نقش جهان قرار داشته و بسیاری از تجار و درباریان صفوی در این محدوده سکونت داشتند. با انتقال پایتخت از اصفهان به تهران در دوره قاجار، رونق این محله کاهش یافت، اما همچنان به‌عنوان یکی از محلات اصیل شهر باقی ماند. قدمت دقیق بنای خانه کیان‌پور به اواسط دوره قاجار، حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. این بنا در دوره‌ای ساخته شده که معماری مسکونی ایران تحت تأثیر دو جریان عمده بود: تداوم سنت معماری صفوی و ورود تدریجی عناصر معماری غربی. خانه کیانپور نمونه‌ای از تداوم سنت صفوی در دوره قاجار است.

کاساختار معماری، الگوی چهارصفه

خانه کیان‌پور از الگوی چهارصفه پیروی می‌کند، رایج‌ترین الگوی معماری مسکونی در ایران از دوره صفوی به بعد. در این الگو، حیاط مرکزی به‌عنوان فضای باز اصلی عمل می‌کند و اتاق‌ها و تالارها در چهار جهه آن قرار می‌گیرند. این ساختار ریشه در معماری کهن ایران دارد و در دوره صفوی به اوج بلوغ خود رسید. در خانه کیان‌پور، هر جهه از حیاط برای یک فصل طراحی شده: جهه جنوبی (تابستان‌نشین) با ارتفاع بیشتر و سایه‌اندازی مناسب برای روزهای گرم، جهه شمالی (زمستان‌نشین) با پنجره‌های کوچک‌تر برای حفظ گرما، و جهه‌های شرقی و غربی برای فصول معتدل.

کاتالار شامشین

تالار شامشین در جهه جنوبی، مهم‌ترین فضای خانه است. این تالار با ارتفاع بلند و سقف گنبدی، فضایی رسمی برای پذیرایی از مهمانان بوده. سقف گنبدی این تالار ریشه در معماری صفوی دارد و یادآور تالارهای عالی‌قاپو و چهلستون است؛ اما در مقیاسی کوچک‌تر و متناسب با یک خانه مسکونی. تزیینات تالار شامل گچ‌بری، آینه‌کاری و نقاشی‌های دیواری است. آینه‌کاری که در دوره صفوی رواج یافت، در دوره قاجار به اوج خود رسید و در خانه‌های اعیان به‌کار می‌رفت. نقاشی‌های دیواری تالار نیز به سبک نقاشی قاجاری، با تأکید بر طرح‌های گل و مرغ و مناظر طبیعی اجرا شده است. پنجره‌های ارس‌ی با شیشه‌های رنگی، یکی از عناصر شاخص معماری خانه است. ارس‌ی در معماری ایرانی به پنجره‌ای گفته می‌شود که به‌جای لولا، با مکانیزم قرقره و وزنه بالا و پایین می‌رود. این نوع پنجره در دوره صفوی به‌ویژه در بناهای سلطنتی رایج بود و در دوره قاجار به خانه‌های اعیان نیز راه یافت. شیشه‌های رنگی ارس‌ی‌ها را فیلتر می‌کنند و بازی نور و رنگ در فضای داخلی ایجاد می‌کنند. این تکنیک ریشه در معماری ساسانی دارد و در دوره صفوی با تأثیرپذیری از معماری بیزانسی و ارمنستان توسعه یافت. ایوان‌های خانه در جهه جنوبی و شمالی قرار دارند. ایوان در معماری ایرانی فضایی نیمه‌باز است که ارتباط بین حیاط و اتاق‌ها را برقرار می‌کند. ایوان جنوبی با ستون‌های چوبی یا آجری، فضایی سایه‌دار برای نشستن در روزهای گرم فراهم می‌کند. این عنصر از معماری خانمانشی (تخت جمشید) تا دوره معاصر در معماری ایران تداوم داشته.

کامصالح و تکنیک‌های ساخت خانه

آجر، ماده اصلی ساخت خانه کیان‌پور است. آجرهای قاجاری معمولاً به ابعاد ۲۰×۲۵×۲ سانتی‌متر و به رنگ قرمز متمایل به نارنجی هستند. آجرکاری در این خانه به دو صورت اجرا شده: آجرکاری ساده در نماهای فرعی و آجرکاری خفته-راسته در نماهای اصلی که الگویی تزیینی ایجاد می‌کند.

دومین جشنواره ملی «تاک و افلاک» در روز دوم مهرماه سال ۱۴۰۵ در شهر کامو و چوگان شهرستان کاشان برگزار می‌شود. شهر کامو و چوگان در جنوب کاشان، یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی در این منطقه محسوب می‌شود. باغات انگور این شهر به دلیل شرایط مساعد آب‌وهوایی، محصولاتی مرغوب تولید می‌کنند که نقش مهمی در اقتصاد و معیشت اهالی این منطقه ایفا می‌کند. علاوه بر انگور، تولید «شیره انگور» نیز از فعالیت‌های اقتصادی شاخص در این منطقه است. این محصول که به روش‌های بومی و سنتی تهیه می‌شود، به دلیل کیفیت